

توضیح: آن چه در زیر ملاحظه می کنید متن پیاده شده نوار گفتگو بین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران (سال 1354) می باشد که از روی نوارهای صوتی به صورت نوشتار در آمده است.

با سپاس از رفقای که در امر تبدیل گفتاری این مذاکرات به صورت نوشتاری، شرکت کردند.

چریکهای فدائی خلق ایران - دسامبر 2010

* * * * *

(نوار شماره یک - قسمت اول)

حمید اشرف: مسئله بر سر این بود که، یعنی مسئله ای که در همون شماره قبل نشریه بحث درون سازمانی طرح شد، یک رفیقی بعد از خواندن "بیانیه اعلام مواضع"، نوشته بود که ما بیایم و واقعاً، یعنی حتی پیشنهاد نشریه بحث، نشریه بحث وحدت را همان کرده بود که ما بعداً پی اش را گرفتیم که بیایید ما چیز کنیم، به دور از تمام مسایلی که سوء تفاهماتی که وجود داشته و بازتاب ها شو دیدیم، بیایم گامی در این جهت برداریم و از طریق ایجاد یک نشریه بحث، نزدیک بشیم و شخصاً ابراز امیدواری کرده بود که خیلی زود بشه از این مجرا

تقی شهرام: به نتیجه رسید

حمید اشرف: به نتیجه رسید و نقطه نظرهای توده های دو سازمان را به هم نزدیک کرد، و حتی پیشنهادهای به اصطلاح قوی تری هم در جهت وحدت

تقی شهرام: داشت

حمید اشرف: داشت، در همان بحث. و در این رابطه، پاسخی که رفقای سازمان دادند به این مسئله، در رابطه با، چون من گفتم آن دفعه هم، ما این اعلام مواضع را گذاشتیم به بحث سازمانی

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: و حتی برنامه مطالعاتی رفقا را متوقف کردیم که این موضوع را مورد بحث قرار بدن و نقطه نظراتشون رو جمع بندی کنند، بدهند به نشریه. که این کار را رفقا کردند، و واقعیت امر این بود که با یک مقدار

تقی شهرام: کار توضیحی؟

حمید اشرف: نه یک مقدار کم و زیاد از نظر نقطه نظرها برای رفقا، مسئله ای مطرح بود و جان کلام مسئله ای که رفقا مطرح می کردند این بود که آیا این حرکت جدید، یک حرکت بنیاداً اصولی هست یا نه؟

تقی شهرام: اینو توضیح بدین بعد اگر "بنیاداً اصولی" یعنی چی ؟

حمید اشرف: یعنی، اگر جناحی از مجاهدین

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: (...نا مفهوم) یا تمام مجاهدین، به این نتیجه رسیده بودند که مواضع سیاسی و ایدئولوژیکی شون، عملیات شون، برخورد شون با قضایا، برخوردی نادرست بوده که حالا باید اساساً تغییرش بدن، و از دیدگاه جدیدی به مسایل جنبش و مسایل طبقاتی نگاه بکنند، اگر به این نتیجه رسیده اند، آیا شکل برخورد عملی شون با این مسئله صحیح بوده یا نه، آیا به همین شکل رفقای مجاهد باید اعلام مواضع می کردند، یا طرق بهتری هم می تونست وجود داشته باشه (...نا مفهوم) ؟

تقی شهرام : مثلاً؟

حمید اشرف: (نا مفهوم...) که البته، مشخص ترین طریقه ای که مطرح میشه اینه که سازمان مجاهدین، در حقیقت یا بگیم که جناح مارکسیست سازمان مجاهدین، سازمان جدیدی را اعلام می کرد و با قطع پیوندهای خودش با گذشته خودش

تقی شهرام : بله!

حمید اشرف: (نا مفهوم...) که گذشته ای غیر مارکسیستی بود، و طبعاً با معیارهای مارکسیستی و با معیارهای طبقاتی انتقادات بسیاری بهش وارد بود، قطع رابطه می کرد با اون گذشته

تقی شهرام: بله!

حمید اشرف: و ضمن طرح انتقادات همه جانبه خودش

تقی شهرام: بله!

حمید اشرف: از لحاظ ایدئولوژیک، از لحاظ خط مشی، و از لحاظ عملکرد در سطح جامعه، به مسایل گذشته و این که ما چرا در زمینه های مختلف نسبت به گذشته خودمون انتقاد داریم و حالا می خواهیم شیوه های نوینی را، در زمینه های مختلف، در پیش بگیریم. و، این طبعاً از لحاظ رفقای ما اصولی تر و درست تره.

تقی شهرام: یعنی این جا یک مسئله هست، شما صرفاً مسئله اصولی را روی مسئله نام و تغییر نام، این جا مطرح می کنید یا نه، مسایل دیگری هم در جوارش می آید؟ یعنی مسئله تغییر نام دلایلی داره، خیلی خب، مسئله ای نیست **حمید اشرف:** نه، مسئله تغییر نام نیست. مسئله (نا مفهوم...)

تقی شهرام: آخه ببینید یک مسئله هست اینجا. شما ببینید، شما این جا این مسئله را توجه نمی کنید که، اگر که یک سازمانی، در پروسه تاریخی خودش، به یک نقطه نظر درست تری میرسه، معنای، اتفاقاً این نکته اساسی تره اینجا، اینی که ما همان سازمان، بین وقتی که می گویم همان سازمان معنایش این نیست که همان سازمان که مثلاً سال 44 تشکیل شد، همان آدم ها با همان مشخصات، یعنی این سازمانی، که در یک پراتیک انقلابی میرسه به نقطه نظر مارکسیستی، خود حفظ اصلاً موضع اسم اون سازمان یک حقانیتی میشه برای نقطه نظر مارکسیستی. یعنی اگر یک گروهی، یک سازمانی یک عناصری خواستند یک روزی با یک جریان انقلابی پیش برن و مرتباً مواضع صادفانه ای بگیرند، اینها چاره ای ندارند جز این که مارکسیست بشن. این نکته اتفاقاً درست همان چیز مطلوب عناصر در واقع خرده بورژوازیه. یعنی اونها از خدا می خوان که بگن: آقا این ها به تیپ هایی بودن، به سری عناصر مارکسیست بودن، بعد هم جدا شدن و رفتن. اون اثر تاریخی که ما با حفظ این مواضع، یعنی این جا موضعی نبود ها. ما اون نتایج تاریخی که می تونست اعلام مواضع ایدئولوژیک ما در چارچوب این سازمان، به نام این سازمان، تأثیر بذاره در جنبش، و این اثرات تاریخی ای که می تونست بذاره، در چنین صورتی که شما پیشنهاد می کنید خیلی خوب، چند تا مارکسیست بودن جدا شدن رفتن پی کارشون، سازمان مجاهدین هم بلافاصله تبدیل می شد به یک سری عناصر مذهبی، که خب بودند. یعنی اون حقانیت تاریخی ای که ما اینجا می خواستیم برای مارکسیسم ثابت بکنیم، در واقع لوٹ می شد رفیق. این مسئله خیلی روشنیه، یکی از دلایلی اینه. یعنی درست شما همان حرفی رو می زنید که عناصر خرده بورژوازی بازار میزنند، اونا میگن: آقا این ها دیگه مجاهدین نیستن که، اینا به آدمای مارکسیستن دیگه، اینها برند پی کارشون، مجاهدین هم همون مسلمون **حمید اشرف:** اونا حق دارن رفیق.

تقی شهرام: ای. درسته حق دارن، به مسئله است، اونا از دیدگاه طبقاتی شون حق دارن. یعنی مسئله اون جاست که اونا همواره میخوان چی باشه. اونا همواره میخوان اون حقانیتی که یک جریان انقلابی می تونه، در واقع مارکسیست میتونه در یک جریان انقلابی از خودش نشون بده، با این عملشون منکر بشن. بله اونا حق دارن، ولی به این معنا حق دارن. یعنی اونا میخوان منکر این بشن که بله به سازمان مذهبی، یک سازمانی که در یک جریان پراتیک انقلابی شرکت کرده، این نمی تونه مارکسیست بشه و، مارکسیست هم به ایدئولوژی ای نیستش که بتونه غالب بشه بر مذهب؛ اونا به این دلیل حق دارن. **حمید اشرف:** خب واقعیت هم همینیه که نتونسته.

تقی شهرام: خوب، این مسئله را باید روشن بکنید چطور نتونسته؟

حمید اشرف: به این دلیل نتونسته که حداقل 50 درصد کادر هاشو مجبور شده تصفیه بکنه.

تقی شهرام: آخه این 50 درصد که کادریه، خیلی جالبه، حرف هایی که شما می زنید همینیه دیگه، همین مسایله، حرف هایی که شما می زنید دقیقاً همون حرف هاییه که امروزه ما از گوشه و کنار این عناصر فرصت طلب و اپورتونیست مذهبی می شنویم. این 50 درصد کیا بودن؟ این 50 درصد کسانی بودن که دیگه در واقع داشتن خیانت می کردن به جنبش. کسانی بودن که به دلیل، نه به دلیل مذهبی بودنش رفیق، به دلیل این که هزار جور ضعف داشتن، هزار جور معایب داشتن، تمام تحلیل ها از خوداشون موجوده، تمام مسایل شون موجوده، و تمام مسایلی که، در واقع شما باید این قدر دید داشته باشید، باید این مسئله را بدونین که کسی که توی یک تشکیلات تصفیه میشه میره، هیچ وقت نمی تونه به دلیل این باشه آقا اون میگه من مذهبی ام، اینم بگه من مارکسیستم! مگه میشه همچین چیزی؟ طرف تصفیه میشه و نشون داده میشه که این آدمی که دیگه باقی میمونه در این پراتیک، می مونه و میخواد به اصطلاح، تحت مثلاً تحت پوشش مذهبی، که البته همه شون این طوری نبودن، این تصمیمی که ما صورت بدیم عمدتاً رو (نا مفهوم...)

حمید اشرف: آخه همین برای ما سؤال برانگیزه.

تقی شهرام: ... عمدتاً رو خصلت های ایدئولوژیک شون، رو خصلت های منفی شون بوده، یعنی این ها نتونستن مارکسیست بشن. همین هان که تصفیه میشن میرن. و به دلیل همین که اون عناصری که باقی می موندن از نظر خصایل، از نظر انگیزه ها دارای در واقع نقاط قوتی هستند، به همین دلیل مارکسیست میشن، این سازمان ها به این دلیل مارکسیست نمی شن که مثلاً فرض کن مذهبی ها را میذاره بیرون، به این دلیل مارکسیست میشه که عناصر به اصطلاح با انگیزه های غیر توده ای، با انگیزه های غیرانقلابی، با نمی دائم گرایشات انحرافی، این ها رو میذاره بیرون، این رو تصفیه می کنه، آن وقت مارکسیست میشه، آن وقت میتونه در واقع به این نقطه برسه، آخه این نکته با هم رابطه دارن، شما که تو تشکیلات کار می کنید، خوب این رو می دونید.

حمید اشرف: رفیق انحراف از چی؟

تقی شهرام: انحراف از چی؟! یعنی چی انحراف از چی؟

حمید اشرف: این هایی که شما میگرد منحراف بودن

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: از چی منحراف بودن؟

تقی شهرام: از آن ضوابط انقلابی ای که ما به مرور تونسته بودیم به دست بیاریم و نشون می دادیم که...

حمید اشرف: اون ضوابط انقلابی که شما به مرور به دست می آوردید طبعاً به سمت مارکسیسم میل می کرد
تقی شهرام: درسته.

حمید اشرف: (نا مفهوم...) و این با ایدئولوژی طبقات خرده بورژوا سازگار نیست.

تقی شهرام: بسیار خوب.

حمید اشرف: (نا مفهوم...) و آن ها طبیعیه که این رو نفی اش بکنن.

تقی شهرام: ما، آخه یه مسئله است اینجا رفیق، ما مگر می تونیم به این مسئله تسلیم بشیم، بین توی یک تشکیلات فرق می کنه با جامعه. طرف آمده داره مبارزه می کنه، درسته؟ این آدم مثلاً یک روشنفکره. این روشنفکر اولاً هنوز به این دلیل که مذهبی یا مارکسیسته همیشه بهش گفت نماینده پرولتاریا. هنوز تازه باید بیاد طی بکنه، مواضع اصولیش دقیقاً معلوم بشه، اون وقت اگر، حتی از نظر روبنایی هم ترک کرد ایدئولوژی ایده آلیستی شو، اون موقع تازه شرایط لازمش را میاره. ما هم در مورد یه چنین افرادی، وقتی که چنین پراتیک پروسه ای را طی می کرده اند، موظف بودیم باهاشون برخورد کنیم، ما نمی تونستیم تا به طرف می رسیم بگیریم که آقا جون مثلاً تو فلان ضعف را داری، خیلی خب این مال ماهیت خرده بورژواپیته، برو پی کارت. تا فلان کسک فلان انحراف رو داره، مال ماهیت خرده بورژواپیته، برو پی کارت. یا اصلاً خب برو برای خودت یه سازمان دیگه تشکیل بده، ما میریم پی کارمون. ما این جا در واقع یه کار مشترک انقلابی داشتیم، ما فرق می کنه، ما بله نمی ریم مثلاً فلان بازاری را بگیریم بیاریم بگیریم آقا توی خرده بورژوا بیا مارکسیست بشو، کار احمقانه ایه. یا فلان نمی دانم روشنفکر دانشگاهی را ور نمی داریم یقه شو بچسبیم

حمید اشرف: خوب عملاً شما همین کار رو کردید.

تقی شهرام: اختیار دارین! آخه کی همچی حرفی رو میزنه!

حمید اشرف: شما زمینه های عضو گیریتون عملاً از بازاری ها بوده.

تقی شهرام: کی همچی حرفی را زده. آخه؟

حمید اشرف: (نا مفهوم...) یک مقدار زیادی (نا مفهوم...)

تقی شهرام: آخه ما، آخه کدوم، آخه رفیق این هایی که این همه افراد، بیا ده نفر افراد الان این جا، نه نفر ده نفر بودن این ها اعدام شدن، این ها کدومشون بازاری بودن غیر از غیوران که اعدامش نکردن؟ نه نفر (نا مفهوم...)

حمید اشرف: بازاری بودن مگر الزاماً این هستش که به اصطلاح خودشون دکان داشته باشن.

تقی شهرام: خب پرولتر بودن مگه الزاماً اینه که حتماً طرف دانشجو باشه.

حمید اشرف: بله؟

تقی شهرام: پرولتر بودن مگر معنایش الزاماً اینه که طرف دانشجو باشه، مگر دانشجو پرولتره؟

حمید اشرف: نه مسئله اینه که با چه هدف هایی وارد سازمان شده.

تقی شهرام: خیلی خوب.

حمید اشرف: یعنی با چه ایدئولوژی، یعنی چی را پذیرفته اومده تو سازمان.

جواد قائدی: خب پس این ربطی به بازاری بودن یا نبودن نداره

تقی شهرام: بازاری بودن یا نبودن نداره

حمید اشرف: چرا! چون ایدئولوژی سازمان وقتی بازاری هست، کسی هم که با پذیرش اون ایدئولوژی میاد تو سازمان، همون به اصطلاح ایدئولوژی خرده بورژوازی را پذیرفته.

تقی شهرام: بسیار خوب، بسیار خوب! درسته! این حرف شما قبول، ولی آیا ما این جا منکر هر گونه تغییری هستیم در یک جریان پراتیک انقلابی؟ یعنی مثلاً فرض کنید که یه عنصر مثلاً مذهبی نمی تونه مارکسیست بشه؟ یه سازمان مذهبی نمی تونه مارکسیست بشه؟ یه کسی نمی تونه در حالی که

حمید اشرف: والا صحبت بر سر اینه که یه سازمان مذهبی می تونه مارکسیست بشه یا یک سازمان خرده بورژوازی می تونه سازمان پرولتری بشه

تقی شهرام: آخه سازمان خرده بورژوازی هم اگر

حمید اشرف: بحث ما بر سر این هست.

تقی شهرام: بسیار خب. مذهب هم همان رو بناست هیچ فرقی نمی کنه. همون سازمان خرده بورژوازی بگیریم، سازمان فنودالی بگیریم، هر چی، وقتی پیوندهای طبقاتی اش قطع بشه، وقتی که جهت گیری در واقع غیر از آن طبقه ای که قبلاً به آن وابسته است بکنه و این جهت گیری رو خیلی مشخصه.

حمید اشرف: این سازمان نمی تونه اینکار رو بکنه.

تقی شهرام: خوب. این پس معلوم میشه که، معلومه که اصلاً شما الان در کل مسئله تغییر یک جریان مثلاً فرض کنید که فکری در یک سازمان الان ایراد دارید، یعنی میگرد اصلاً نمیشه، یک هم چنین چیزی امکان پذیر نیست، از ابد که، از ازل که این به وجود آمده همین طور می مونه، تا آخر هم مثلاً همون موضع طبقاتی اش رو حفظ میکنه.

حمید اشرف: بله خوب، یک سازمانی که بر اساس تمایلات و خواسته های سیاسی خرده بورژوازی قوام پیدا می کنه و رشد میکنه و تاریخ خودش رو می سازه ...

تقی شهرام: خوب

حمید اشرف: ... این سازمان کلاً با تمام گذشته اش، با تمام به اصطلاح تاریخ اش، با تمام موجودیت اش نمی تونه تبدیل به یک سازمان پرولتری بشه، طبیعیه که یک هم چنین جریانی را همیشه پذیرفت، یعنی جریان پرولتری، جریان مارکسیستی را حتی می تونیم ما بپذیریم، در وجود این سازمان که یک جریان مارکسیستی رشد بکنه. ولی این وقتی رشد کرد، از طرف اون سازمان و از طرف اون طبقه ای که نمایندگی شو

تقی شهرام: خب

حمید اشرف: به عهده داره، طرد میشه (نا مفهوم...)

تقی شهرام: خیلی خب، معلومه که طرد میشه.

حمید اشرف: درسته؟

تقی شهرام: بسیار خب

حمید اشرف: خیلی خب

تقی شهرام: خب

حمید اشرف: این وقتی که طرد میشه، باید به سمت طبقه، یعنی اون جریان پرولتری یا اون جریان مارکسیستی، وقتی که از درون این طبقه طرد میشه به سمت طبقه دیگه ای گرایش پیدا میکنه.

تقی شهرام: درسته، خیلی خب.

حمید اشرف: این کارش را باید بطور کامل، این گروه انجام بده.

تقی شهرام: انجام بده، بسیار خب، پس شما منکر تغییر اصولیش نمی تونید بشید!

حمید اشرف: ما (نا مفهوم...)

تقی شهرام: شما فقط می تونید این رو که بگید آقا شما جریان مثلاً فرض کن جدا شدنتون از طبقه خرده بورژوازی و سمت تون به سمت پرولتاریا دارای اشکاله، دارای مثلاً انحرافه، این سمت رو پیدا نکردید، این رو به ما مشخصاً نشون بدید، راجع به این مسئله بحث می کنیم.

حمید اشرف: خیلی خوب. ما همین رو میخوایم بحث بکنیم.

تقی شهرام: هان. بحث می کنیم راجع به این مسئله که نشون بدیم که کی موضع به سمت در واقع سیاست پرولتری داره، کی خط مشی پرولتری داره و کی نداره. این رو اتفاقاً همان خط مشی نشون میده. این رو همون موضع طبقات گوناگون نشون میده، امروزه چه کسانی ما را مورد حمله قرار میدن؟ این خیلی قابل اهمیتیه.

حمید اشرف: امروز کسانی شما رو مورد حمله قرار میدن

تقی شهرام: هان

حمید اشرف: (نا مفهوم...) که به اصطلاح این رو احساس می کنن که شما شرایط ذهنی شون رو خدشه دار کردید

تقی شهرام: خب

حمید اشرف: یعنی این ها شما را (نا مفهوم...)

تقی شهرام: منافع شون را خدشه دار کردیم رفیق!

حمید اشرف: بله

تقی شهرام: پدر خرده بورژوازی در اومده، ضربه خورده، کمر نمی تونه راست کنه، مشخصه از نظر ایدئولوژیک داغون شده! یعنی، این در واقع امروزه ما با گروه های مذهبی سر و کار داریم دیگه؛ طرف الان نمی تونه متشکل بشه از نظر ایدئولوژیک، و بخواد در واقع اون مواضع در واقع انحرافی رو در جنبش بوجود بیاره، به این دلیل، که باید با این نقطه نظر ما برخورد کنه، و این نمی تونه این برخورد بکنه.

فدائی ها! خوب، این به جریان طبیعی، همیشه هم هست. چیزی که خیلی از خرده بورژوازی هم دلش براش لک زده. ولی، مسئله اینه که ما می خوایم این را نشون بدیم که مارکسیسم یک حقانیتی داره، که در پروسه عمل انقلابی خودشو تحمیل می کنه و نشون میده. و این چیزیه که در واقع ما می خواستیم، یعنی اون جنبه تاریخی و در جریان به اصطلاح اجتماعی که ما عمدتاً می خواستیم تأثیر بذاریم این بود. این نکته بود که می خواستیم نشون بدیم که چگونه یک سازمان، اگر مواضع صادفانه ای داشته باشه، اگر واقعاً بخواد خودش را در جریان منافع توده ها و زحمتکش ترین طبقات توده ها سمت گیری بده سیاستشو و هدفشو، این چه جوری اجباراً می رسه به یک موضع مارکسیست - لنینیستی. و ما می خواستیم اینو نشون بدیم اگر ما سازمانمان رو، یک اسم شو اینو می گیم، خیلی خوب برای ما راحت بود اصلاً اسمشو بذاریم آقا سازمان مثلاً رزمندگان نمی دونم مجاهد خلق! خیلی خوب، مسئله ای را، می دونی خیلی روشنه، شما یک چنین، اگر مثلاً، اگر چنین اسمی رو ما می داشتیم، مثلاً می گفتید خیلی خوب، با طبقه مون بریدیم؟ ولی، عملاً الان طبقات خرده بورژوا چنان موضعی دارند نسبت به ما، و یا مثلاً عناصر اپورتونیست مذهبی چنان ضربه ای خوردند و چنین واکنشی نشون میدن، این نشون دهنده بریدن از طبقه نیست؟ شما که می گید شرایط ذهنی شون رو خدشه دار کردید، یعنی چی؟ منافع طبقاتی شونو خدشه دار کردیم رفیق! اون منافعش اینه که بیاد نشون بده آقا ایدئولوژی من برتره، ایدئولوژی من می تونه مثلاً مبارزه را رهبری کنه، ایدئولوژی من می تونه فلان کار را بکنه، الان نمی تونه این حرف رو بزنه.

چریکهای فدائی خلق ایران

www.siahkal.com

www.ashrafdehghani.com

e-mail: ipfg@hotmail.com